

میزگرد

رویکردهای نوین و سنتی آموزش و چالشهای آن در رشته حسابداری



مقدمه

دانشگاهها و موسسه‌های آموزش عالی نقش عمده‌ای را در فرایند یادگیری و آموزش دانشجویان ایفا می‌کنند. به‌همین منظور و با بهره‌گیری از الگوها و شیوه‌های نوین آموزشی همسو با تغییرات در محیط، می‌بایست بینشها و باورها نیز تغییر یابد. ایجاد یک سیستم آموزشی مناسب که مبتنی بر تقاضا و نیاز جامعه و منطبق بر اهداف، سیستمها و نگرشهای جامعه باشد، از پدیده‌های تغییرات یادشده است. اکنون، بدرستی این نیاز وجود دارد که سیستم آموزشی سنتی (متداول) که شاید در سالهای خیلی دور با نیازها و شرایط اجتماعی، فرهنگی تطبیق داشته است جای خود را به یک سیستم آموزشی نوین متأثر از تحولات شگرف در محیط انسانی بدهد.

«رویکردهای نوین و سنتی

(متداول) آموزش و چالشهای آن در رشته حسابداری» موضوع میزگردی است که به ابتکار موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی برگزار شد و در آن دربارهٔ مباحثی از جمله عوامل سیستم آموزشی و تنگناهای آن در رشته حسابداری و نقش تکنولوژی در توسعه آموزش گفتگو به میان آمد. محل برگزاری میزگرد، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی بود و اشخاص زیر در آن شرکت داشتند:

دکتر ایرج نوروش؛ عضو هیئت‌علمی گروه حسابداری دانشگاه مدیریت دانشگاه تهران،

دکتر رضا تهرانی؛ عضو هیئت‌علمی گروه حسابداری دانشگاه مدیریت دانشگاه تهران،

محمدجواد صفار؛ عضو هیئت‌عامل سازمان حسابرسی،
دکتر یدالله مکرمی؛ پژوهشگر حسابداری و مدرس دانشگاه،
عطاءالله مقبلی؛ مدیر حسابرسی در سازمان حسابرسی و مدرس دانشگاه،
مجتبی گودرزی؛ عضو هیئت‌علمی و مدیر گروه حسابداری موسسه آموزشی عالی جهاد دانشگاهی.

گودرزی

با عرض سلام و خیرمقدم، از طرف خودم و موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی از مهمانان عزیز به‌خاطر حضور در این میزگرد تشکر می‌کنم. اجازه می‌خواهم برای وارد شدن به موضوع اصلی بحث که رویکردهای نوین و سنتی آموزش و چالشهای آن در رشته حسابداری است مطالب

مختصری را عرض کنم.

یکی از معضلات جدی در آموزش ما انطباق‌پذیر نبودن عناصر سیستم آموزشی با محیط فعالیت آموزشی ماست و در این رابطه باید در مورد نقش مؤثر مدرسان بر چگونگی و روند آموزش، تأمل بیشتری کرد. به‌طور کلی دو الگوی تدریس در دانشگاه‌ها که به «استاد محوری» و «دانشجو محوری» موسوم هستند وجود دارد.

در الگوی استاد محوری فرض بر آن است که استاد در کلاس درس، انرژی و توان درخور ملاحظه‌ای صرف می‌کند و با محدود کردن بحثها و موضوعات، مطالب درسی را در قالب جزوه‌هایی مختصر یا شاید هم حجیم به دانشجویان منتقل می‌نماید. به این ترتیب، کلاس درس کاملاً تحت کنترل استاد است و جهت موضوعهای درسی را او تعیین می‌کند. مشکلاتی در این الگوی تدریس وجود دارد که آسیبهای جدی بر دانشجویان وارد می‌کند، زیرا بخش اعظم نیرو و وقت ایشان صرف نوشتن مطالب درسی در کلاسهای درس می‌شود؛ از طرفی فرصتی برای پرسش و پاسخ و تعمق در موضوعها پدید نمی‌آید. البته در این زمینه مسائل و محدودیتهایی از جمله نبود منابع درسی کافی و مناسب، پایبندی و اصرار مدرسان بر جزوه‌گویی و غیره نیز وجود دارد و متأسفانه شاید در رشته‌های مختلف دانشگاهی و حتی دانشگاههای معتبر در سطح کشور ما شاهد این‌گونه الگوهای سنتی تدریس هستیم.

الگوی دوم که دانشجو محوری است، مؤید آن است که دانشجویان در کلاسهای درس با نشاط و جنب و جوش فراوان حاضر می‌شوند و در واقع بخش اعظم وقت کلاس به‌وسیله ایشان پر می‌شود. در این نگرش، فرض بر آن است که منابع درسی مناسب وجود دارد و استاد وظیفه راهنمایی و راهبری کلاس را عهده‌دار است چرا که

قبلاً دانشجویان مطالب درسی را مطالعه کرده‌اند و حال در کلاس درس

می‌پردازند. به این ترتیب، نه‌تنها وقت دانشجو در کلاس صرف جزوه‌نویسی نمی‌شود بلکه با مطرح کردن سئوالهای مختلف دامنه وسیعتری از موضوعها و مطالب درسی مطرح می‌شود و قدر مسلم با حضور فعال و پررنگ وی کیفیت یادگیری نیز بالا می‌رود.

دکتر نوروش

عوامل سیستم آموزشی در همه رشته‌ها از استاد، دانشجو، برنامه درسی، منابع درسی و هیئت (نهاد) نظارت‌کننده بر این جریان تشکیل می‌شود که این عوامل به‌طور قوی باورها و اعتقادهای ما را در خصوص عملکرد سیستم آموزشی تحت تأثیر قرار می‌دهد. متأسفانه در ایران ما سعی می‌کنیم از مظلوفی استفاده کنیم که آن را نداریم و آن اقتصاد بازار است. نبود اقتصاد بازار به معنی نبود تقاضاست. در حال حاضر در کشورهایی مانند کانادا آموزش مبتنی بر تجارت و بازرگانی و سایر آموزشهای دیگر به‌وجود آمده‌اند و بازار به فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها نیاز دارد و دانشگاه‌هایشان دائماً در حال تغییر و تحول هستند و از عوامل سیستم آموزشی به‌نحو مناسبی استفاده می‌کنند. ولی متأسفانه ما آن مظلوف یعنی اقتصاد بازار را نداریم و از عوامل سیستم آموزشی هم فقط الگوبرداری می‌کنیم. مثلاً کتاب یا جزوه ۵۰ یا ۱۰۰ اسال پیش دست به‌دست می‌چرخد و امروز هم همان مطالب به خورد دانشجویان داده می‌شود. در واقع نه معلم مقصر است و نه دانشجو که از چنین ابزار منسوخ‌شده‌ای استفاده می‌شود زیرا کسی چیزی غیر از اینها نخواسته است. بنابراین ما در حقیقت چون به تقاضای بازار پاسخ نمی‌دهیم به نیاز خودمان جواب می‌دهیم؛ یعنی موسسه‌ای باشد و ما در آنجا تدریس کنیم و عده‌ای هم فارغ‌التحصیل شوند. و این موضوع مبین همان مشکلی است که در

الگوی دوم که دانشجو محوری است، مؤید آن است که دانشجویان در کلاسهای درس با نشاط و جنب و جوش فراوان حاضر می‌شوند و در واقع بخش اعظم وقت کلاس به‌وسیله ایشان پر می‌شود. در این نگرش، فرض بر آن است که منابع درسی مناسب وجود دارد و استاد وظیفه راهنمایی و راهبری کلاس را عهده‌دار است

به رفع ابهامها و مسائل خود

جامعه و نظام آموزشی ما وجود دارد و همه رشته‌ها و سطوح آموزشی به دلیل نبود تقاضا در بازار، با آن مواجهند.

درباره رشته حسابداری باید به این موضوع اشاره شود که مدرسین باید در دانشگاهها و وظایف حسابدار را آموزش دهند ولی چون طبقه بندی روشنی در مورد این وظایف وجود ندارد که دلیل آن هم نبود نیاز بازار است، این وظایف روشن نیست. اگر بخواهیم به شکل مجازی به این وظایف اشاره کنیم باید یک ماتریس چهارخانه

را در نظر بگیریم. در خانه سمت چپ بالایی ماتریس نوع وظایف منعکس می شود. نوع وظایف ممکن است از نظر تنوع کم یا زیاد باشد. وظایفی که تنوع آن کم است مربوط به افرادی است که می خواهند در سطح دبیرستان با گرفتن مدرک دیپلم فارغ التحصیل شوند و سپس دست به انجام کارهایی بزنند که کاملاً تعریف شده است و جنبه تحلیلی ندارد. در واقع در این سطح، فعالیتها بیشتر به شکل مکانیکی و کاربردی صورت می پذیرد. به عبارت دیگر آموزشها در این سطح به شکل

وظایف معمول صورت می پذیرد. برای مثال در رشته حسابداری می باید مراحل دفترداری چه به صورت دستی و چه به صورت کامپیوتری آموزش داده شود و از ارائه مطالب زائدی که نه تنها تأثیری در فرایند آموزشی ندارد بلکه ممکن است اثر مخرب نیز داشته باشد خودداری شود. در واقع یک سری قواعد از پیش تعیین شده که به صورت دستور عمل عنوان می شود مبنای کار این سطح آموزش قرار می گیرد.

نوع دوم طبقه بندی از نظر وظایف، تنوع زیادتر است. این نوع وظایف به سطوح کارشناسی مربوط می شود و در این سطح می بایست وظایف تکنیکی به وی انتقال یابد و البته این عمل به شکل تقلیدی صورت

می گیرد. مثالی از این نوع تکنیکها شاید همان استانداردهایی باشد که یا آنها را از جاهای دیگر اقتباس کرده ایم (البته بدون در نظر گرفتن آن مظلوف اقتصادی که اشاره شد) یا خودمان تدوین نموده ایم و به هر صورت می بایست آنها را به دانشجویان این سطح آموخت تا در مسائل حرفه ای از آن استفاده کنند.

خانه بعدی ماتریس که باید به آن اشاره کنیم، ویژگیهای تحلیلی است، که آن هم ممکن است شامل



وظایفی بشود که از نظر نوع وظایف جنبه تحلیلی کم یا زیاد داشته باشد. در سطوح پایینی آموزشی نظیر دبیرستانها و یا حتی سطوح کارشناسی که وظایف معمول و مشخص آموزش داده می شود، اغلب نیازی به این قبیل تحلیلها نیست. وظایفی که جنبه تحلیلی زیاد دارد، از نوع وظایفی است که دارای حالت ابتکاری است. این نوع وظایف در متون درسی و کتابها نوشته نشده اند. در واقع آموزش این نوع وظایف به موسسه ها و سازمانهای حرفه ای محول می شود. برای مثال دانش آموزان رشته حسابداری پس از آن که در سازمانها یا موسسه های حرفه ای نظیر سازمان حسابرسی مشغول به کار

می شوند، باید تحت نظارت آن مرجع، با قواعد، طرز عمل و شیوه های کاربردی و اجرایی موضوعات و مباحث علمی حرفه مانند نحوه تهیه گزارش یا اطلاعات مختلف آشنا شوند.

خانه دیگر ماتریس که باید به آن اشاره کنیم، به وظایف پژوهشی مربوط می شود. این قبیل وظایف بیشتر به سطوح کارشناسی ارشد و دکتری مربوط می شود. این وظایف در کتاب یا دانشگاه خاصی به شکل عام تعریف نشده است؛ در واقع نگرشی فلسفی به رشته تحصیلی (حسابداری)

است. به این ترتیب، فارغ التحصیلان این سطح راهنمایان و راهبران جامعه حرفه ای ما هستند، زیرا با دید عمیق به فلسفه رشته، راهبردها و خط مشی ها را مشخص و تعیین می کنند. ولی متأسفانه در ایران، ما تقریباً در همه سطوح تحصیلی و آموزشی به صورت یکنواخت و یکسان عمل می کنیم و این موضوع تهدید و خطر بزرگی برای حرفه ما شمرده می شود. دانشگاهها نیز باید دسته بندی شوند و چند تا از آنها این رسالت را بر عهده بگیرند. در

کشورهای دیگر نیز به همین ترتیب عمل می کنند و غالباً کار آنها آموزش نخبگان و افرادی است که در سطوح بالا تحصیل می کنند.

دکتر تهرانی

آموزش حسابداری در دانشگاهها متأثر از آموزش در سایر علوم است. یعنی هر عاملی که روی آموزش دیگر علوم اثر بگذارد بر آموزش حسابداری هم اثر خواهد گذاشت. برای مثال، اگر امروزه به طور جدی روی آموزش از راه دور مطالعه و کار می شود این موضوع مربوط به یک رشته خاص مانند حسابداری، فلسفه یا اقتصاد یا هر رشته دیگری نیست، بلکه جنبه عام دارد و همه علوم را در بر می گیرد.

به‌طور کلی متغیرهایی که روی رشته حسابداری اثر می‌گذارد متغیرهایی است که خاص رشته حسابداری است. البته درست است که آموزش و محتوای آن متأثر از نیازهاست، ولی آیا این نیاز اساساً مربوط به امروز است یا نیازهای آینده را هم در بر می‌گیرد؟ برای مثال اگر در رابطه با متون دروس رشته حسابداری اظهار نظر دانشجویان این رشته را جویا شویم، غالباً بر این باورند که مفاهیم و مباحثی که آموخته‌اند و یا می‌آموزند به‌درد بخور نیست؛ علت آن است که دانشجویان امروز را با مباحث مذکور تطبیق می‌دهد زیرا هنوز در شرایط و موقعیتی قرار نگرفته است که بتواند از آن مطالب استفاده کند. یعنی نیاز آینده برایش مبهم است. پس آموزش، باید فراگیر و توأم با دامنه‌ای وسیع باشد که نیازهای فعلی و آینده را در برداشته باشد.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره شود این است که آیا در دانشگاهها صرفاً مباحث درسی به‌صورت حرفه‌ای و کاربردی ارائه شود، یا به مبانی هم باید اشاره گردد. نکته درخور ذکر در این باره، این است که فراگیری مباحث درسی به‌صورت صرفاً کاربردی، شعاع دید دانش‌آموخته را محدود می‌کند و آن را در چارچوبی غیرمنطقی قرار می‌دهد، و بنابراین مسلط بودن به مبانی نظری زیرساخت آن را محکم می‌کند، زیرا قواعد و استانداردهای ذهنی که با مباحث علمی کاملاً تطبیق دارد راهنمای وی در مسائل حرفه‌ای خواهد شد. در غیر این صورت بی‌ثباتی دانش صرفاً کاربردی به‌دلیل تغییرهای محیطی موجب وازدگی و بدبینی به رشته تحصیلی می‌شود.

از جمله عوامل دیگری که بر آموزش حسابداری تأثیر می‌گذارد نیازهای موجود در محیط پیرامون دانشگاه است؛ از یک طرف بازارهای مالی و نوع اطلاعاتی که باید در آنها

جریان یابد که این موضوع به‌تناسب مطالب درسی با نیازهای موجود در بازارهای مذکور ارتباط قوی خواهد داشت و در این رابطه دانشگاهها باید محتوای مطالب درسی را به جریانهایی پایدار و گاهی متغیر این‌گونه بازارها همسو نمایند و از طرف دیگر، تغییرهای تکنولوژیک در سیستمهای اطلاعاتی است که تسهیلات معتناهی در تولید و مخابره اطلاعات برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌آورد و به طبع باید برای همگام بودن با آن به دانش روز مجهز شد. همچنین عامل یا پدیده دیگر تغییرها در قوانین موضوعه و نهادهای قانونگذار است، که به‌منظور تامین نیازهای اطلاعاتی آنها باید متون تخصصی رشته حسابداری به‌سرعت تغییر و تأثیر بپذیرد؛ یعنی دانش‌آموختگان ما باید با موضوعهای جاری کاملاً آشنا باشند و آنها را مطالعه کنند و با چنین دانشی در فضای حرفه وارد شوند.

صفا

یکی از مسائل آموزشی ما نحوه برخورد با موضوع کارآموزی ضمن تحصیل است. در این رابطه دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد. یک دیدگاه آن است که دانشجوی فقط باید دانشجوی باشد و با مسائل شغلی درگیر نشود و دیدگاه دیگر آن است که چون رشته حسابداری با کارآموزی آمیخته است بنابراین دانشجویان می‌بایست از همان آغاز تحصیل با مسائل حرفه‌ای و شغلی کاملاً آشنا و درگیر شوند. راه‌حل ساده‌ای که در این زمینه می‌توان انتخاب کرد برگزیدن رویه‌ای بینابین است ولی قبل از آن باید هدف از این نوع آموزشها مشخص شود. ظاهراً هدف این است که شخص بتواند در محیط کار وارد شود و متناسب با تواناییها و قابلیت‌های خودش رشد و توسعه یابد.

در این رابطه دیدگاه دانشگاهها و عملکرد آنها درخور بحث است. برخی

دانشگاهها به‌گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویی دانشجویان اصلاً قادر به انجام کارآموزی نیست. برای مثال، برنامه‌ریزی درسی به‌نحوی است که دانشجویان اغلب صبحها به تحصیل مشغولند. و دانشگاههای دیگری وجود دارند که برنامه‌های درسی را به‌صورت فشرده در بعدازظهرها و یا حتی در آخرین روزهای هفته متمرکز می‌کنند و بنابراین دانشجویان این‌گونه دانشگاهها را غالباً طیفهای کارمندی تشکیل می‌دهند. پس موضوع دانشگاهها نیز در این زمینه مشخص نیست؛ دانشگاههای دولتی بیشتر علاقه‌مندند که دانشجویان بیشتر درگیر درس شوند و فعالانه به مباحث درسی بپردازند، اما برخی دانشگاههای دیگر بر این باورند که برنامه‌ریزی درسی و سیاست دانشگاه باید به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان بتوانند در حین تحصیل به فعالیت‌های تجربی و عملی یا به‌طور خلاصه کارآموزی روی آورند.

البته انجام فعالیت‌های عملی و کارآموزی در خارج از دانشگاه به‌طور رسمی برای دانشجویان توصیه نشده است. با این حال همان‌گونه که قبلاً اشاره شد دانشگاهها موضع معین و مشخصی در این زمینه ندارند. از طرف دیگر واکنش محیط‌های کاری نیز نسبت به این موضوع چندان روشن نیست. برخی از آنها، مانند سازمان حسابرسی و یا موسسه‌های حسابرسی خصوصی، استفاده از نیروهای دانشجویی در انجام فعالیت حسابرسی و خدمات مالی را باور دارند و تلاش می‌کنند تا از نیروهای دانشجویی در پروژه‌های خود استفاده کنند. چون واگذار کردن برخی اعمال و فعالیت‌های حرفه‌ای به افرادی که دارای مدرک دیپلم متوسطه هستند تقریباً منتفی است، بنابراین انجام این امور به‌وسیله دانشجویان رشته‌های حسابداری و حسابرسی معقولتر است. ولی شرکتها و واحدهای اقتصادی ظاهراً از این

موضوع خیلی استقبال نمی‌کنند. از یک طرف همین شرکتها فقط افرادی را استخدام می‌کنند که از اصول عملی و تجربی کار آگاه باشند و از سوی دیگر هیچ‌گونه زمینه‌ای برای کارآموزی فراهم نمی‌کنند و این دو موضعگیری با هم تناقض دارند. به‌هرحال باید در این زمینه راهکار مناسبی پیدا کرد. گذشته از این موضوع، به‌نظر می‌رسد حجم مطالب درسی که در حال حاضر در رشته حسابداری به دانشجویان ارائه می‌شود به اندازه‌ای است که امکان انجام کار و فعالیت‌های عملی و شغلی را به ایشان می‌دهد؛ یعنی لازم نیست که آنها همه وقتشان را صرف درس خواندن بکنند. در این رابطه شاید بتوان به مشکل زمان ارائه دروس اشاره کرد.

مقبلی

به اعتقاد بنده دانشجویان رشته حسابداری در هر سطحی که تحصیل می‌کنند باز هم می‌بایست به بازار کار وارد شوند؛ پس باید رابطه‌ای منطقی و مناسب از لحاظ محتوایی بین محیط کار و محل تحصیل آنها برقرار شود به‌گونه‌ای که آموخته‌های آنها در دانشگاهها نه تنها در محل اشتغال بلکه در رشد و توسعه آنها نیز مفید واقع شود.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم این است که ما در عمل به این نتیجه رسیده‌ایم که افرادی را که به محیط حرفه وارد می‌شوند باید در حین تحصیل آموزش داد. تجربه در طول سالهای اخیر به ما نشان داده است که حتی دانشجویانی که در سطوح بالا تحصیل می‌کنند و پس از اتمام تحصیلاتشان وارد محیط کار می‌شوند خیلی موفق نیستند. البته عوامل مختلفی در این رابطه وجود دارد مانند، اشکال در متون درسی، منطبق نبودن بازار کار با موضوعات و مباحث درسی در دانشگاهها، مسلط نبودن مدرسین بر مباحث درسی، نبود

گرفته‌اند و به‌صورت یکنواخت آموزش می‌دهند و به این ترتیب فقط تعداد معدودی دانش‌آموخته در رشته حسابداری هستند که واقعاً برجسته‌اند و البته در بازار کار نیز به‌راحتی جذب می‌شوند. ولی در عمده موارد دانشجویان در این رشته خوب آموزش نمی‌بینند و شاید همان عواملی که قبلاً به آنها اشاره شد، از جمله نبود نظارت کافی بر چگونگی جذب دانشجو در این رشته از جمله مواردی است که به این مشکل دامن می‌زند.

گودرزی

برای ارزیابی یک سیستم آموزشی مفید، مناسب و مطلوب باید عناصر تشکیل‌دهنده آن با هم تعامل و ارتباط داشته باشند. در واقع ارتباط بین اجزای این سیستم که شامل استاد، دانشجو، برنامه درسی، منابع درسی و سنجش و نظارت است منجر به ایجاد یک سیستم آموزشی مناسب خواهد شد. در عمل در رابطه با هر یک از عناصر فوق مشکلاتی وجود دارد که به‌اجمال به هر یک از آنها اشاره می‌کنم.

در مورد استاد، به‌عنوان یکی از اجزای مهم سیستم آموزشی، باید به شیوه تدریس مدرسان دانشگاهها اشاره شود. شیوه‌های سنتی آموزش هنوز هم در بین استادان دانشگاهها مرسوم است. اتکای مدرسان به جزوه‌های کلاسی و کتابهای قدیمی از جمله مواردی است که به‌عنوان اشکال می‌توان به آنها اشاره کرد. متأسفانه به‌دلایل مختلف، از جمله تقلید صرف از معلمان قدیمی، مشغله بیش از حد مدرسان، نداشتن توانایی کافی و تسلط بر مباحث و موضوعهای درسی و غیره، برخی از مدرسان مطالب و مفاهیم اساسی و در بعضی موارد موضوعهای پایه‌ای درسی را به‌صورت محدود و بسیار ناچیز به دانشجویان ارائه می‌کنند. از سوی دیگر با این روش تدریس، دانشجویان عادت

تقاضای بازار و همه این عوامل دست به دست هم داده و سبب شده است که ضرورت توأم آموزش در حین تحصیل به‌وجود آید. در غیراین‌صورت تحصیلکرده‌های ما در این رشته به‌شیوه سنتی پس از اتمام تحصیلات به مشاغل حرفه‌ای روی می‌آورند و پس از مدتی هم فقط در یک بخش بخصوص تجربه به‌دست می‌آورند و کار می‌کنند و در واقع به‌شکل مکانیکی عمل معینی را انجام می‌دهند و هیچ‌گونه تسلط و اشرافی به سایر مباحث و موضوعات ندارند و شاید یکی از دلایل این مشکل، آموزش سطحی و نه مفهومی و عمیقی است که فرا گرفته‌اند. البته در جامعه حرفه‌ای ما دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران تلاش می‌کنند با تدوین استانداردها، صدور بیانیه‌ها و تشکیل سمینارها و سخنرانیهای علمی و موارد دیگر، زمینه اتصال مشاغل حرفه‌ای را با دانشگاهها و محافل علمی فراهم آورند.

پس رسالت ما در دانشگاه، علاوه بر آموزش مباحث نظری، آن است که دانشجویان را با موضوعات و مسائل جاری در مملکت نیز آشنا کنیم. از جمله می‌توان به ویژگیهای بازار کار در جامعه حرفه‌ای ایران، نحوه برخورد با قوانین موضوعه از جمله قانون مالیاتها، استانداردهای تدوین شده و لازم‌الاجرا، نرم‌افزارهای مالی و نحوه استفاده از رایانه در پردازش و تولید اطلاعات مالی و موارد دیگر اشاره کرد. به‌هرحال ضرورت انکارناپذیر آن است که به‌رغم تمام مسائل و مصائب موجود در محیطهای کاری، می‌بایست دانشجویان در حین تحصیل، تجربه‌های عملی خود را نیز کسب کنند. حرفه ما، فارغ‌التحصیلان دانشگاه را که تجربه‌های عملی و شغلی ندارند به‌سهولت جذب نمی‌کند؛ حتی اگر مقاطع تحصیلی عالی نیز را طی کرده باشند. در حال حاضر تقریباً همه دانشگاهها در یک سطح قرار

نمی‌کنند که مباحث درسی را پی‌جویی و نکته‌یابی کنند و فقط به مفاهیم ارائه شده که شاید در عمده موارد جنبه القای مطلب دارد اکتفا می‌کنند.

عنصر دوم دانشجوست. به نظر من هر قدر از گذشته فاصله می‌گیریم انگار از آن ساختارهای ذهنی و مفهومی که اساس تفکر و بینش ما را تشکیل می‌دهند نیز فاصله می‌گیریم. بنابراین، دانشجویان از یک سو تحت تأثیر مسائل و معضلات سیستم آموزشی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر از محیط پیرامون خود نیز بازخورد نمی‌گیرند و مجموعه این عوامل اثرات نامطلوب و ویرانگری بر فرایند یادگیری آنها می‌گذارد.

برنامه درسی سومین عنصر سیستم آموزشی است. این عنصر به‌طور مشخص به فرایند برنامه‌ریزی آموزش مربوط می‌شود. گروه‌های آموزشی در دانشگاهها و موسسه‌های آموزش عالی وظیفه برنامه‌ریزی درسی را بر عهده دارند. برنامه‌ریزی درسی یکی از ابزارهای بسیار با اهمیت سیستم آموزشی است و هر دو عنصر قبلی آن یعنی استاد و دانشجو بشدت تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. نوع و ترکیب دروس ارائه شده، نحوه و چگونگی انتخاب مدرسان تخصصی برای دروس ارائه شده، زمان ارائه دروس در طول ساعات هر روز یا هفته یا نیمسال تحصیلی از جمله مواردی است که باید در این فرایند به آنها توجه شود. البته به دلیل محدودیتهای گوناگون، از جمله محدودیت فیزیکی، تداخل زمانی ارائه دروس و وقت استادان، تدوین و تنظیم یک برنامه درسی کاملاً صحیح و بی‌نقص غیرممکن است اما با این حال بیشتر اوقات، گروه‌های آموزشی در برنامه‌ریزی درسی به برخی محدودیتهای بیشتر از آنچه باید توجه می‌کنند و حتی شاید برخی از محدودیتهای نادیده می‌گیرند که این موضوع

می‌تواند اثر منفی بر عملکرد سیستم آموزشی بگذارد.

منابع درسی نیز دیگر عامل سیستم آموزشی است. در زمینه تهیه و تدوین متون تخصصی و کتابهای درسی تقریباً در هر رشته تحصیلی مراکزی وجود دارد که عهده‌دار این وظیفه‌اند. هر چند که این مراکز در جهت دستیابی به رسالت خود حرکت می‌کنند ولی ظاهراً حرکت آنها خیلی کند است. در برخی از رشته‌ها مانند حسابداری این اتفاق افتاده است. هنوز



هم مطالب برخی از کتابهای درسی ما به چندین سال پیش بر می‌گردد و هیچ‌گونه تغییراتی در آنها داده نشده است. همچنین مطالب آنها با نیازهای جاری جامعه تطبیق ندارد. در برخی موارد هم مؤلفان یا مترجمان کتابهای درسی از دانش مرتبط برخوردار نیستند و به این ترتیب کتابهای مذکور نمی‌تواند تأمین‌کننده خواستهها و نیازهای دانشجویان باشد. و از سوی دیگر نیز بازار انحصاری تهیه و توزیع کتابهای درسی در برخی از رشته‌ها امکان عرضه کتابهای بعضاً مناسبی را که برخی صاحب‌نظران تهیه می‌کنند فراهم نمی‌کند و بنابراین فضای رقابتی برای تولید منابع درسی خوب و با کیفیت پدید نمی‌آید.

آخرین عنصر سیستم آموزش، سنجش و نظارت است. استقرار این واحد در دانشگاهها امری ضروری و در راستای ارتقای سطح کیفی سیستم آموزشی است. سنجش و نظارت بر کل فرایند آموزش، اعمال نظارت می‌کند و با تهیه اطلاعات توصیفی و تحلیلی زمینه بحث و ارزیابی عملکرد سیستم آموزشی را پدید می‌آورد. ایجاد این واحد در دانشگاهها و موسسه‌های آموزش عالی می‌تواند فرایند آموزش را بهبود بخشد.

به‌منظور جمع‌بندی گفته‌هایم نکات زیر را در توفیق سیستم آموزشی یادآوری می‌کنم:

- از آنجا که آموزش عالی جزء لاینفک حقوق فردی و اجتماعی است که حتی در قانون اساسی نیز ضمانت شده، لذا توجه و تأکید فراوان بر نحوه و چگونگی جذب دانشجو و حضور او در سیستم آموزشی حائز اهمیت است؛
- به موازات آموزش تمام‌وقت و سنتی، اهمیت روزافزونی به آموزش درازمدت و نیمه‌وقت داده می‌شود. در همین راستا استفاده از تکنولوژی و روشهای نوین در آموزش از راه دور رو به افزایش است؛
- اهمیت تحقیق و بخصوص پژوهش علمی در دانشگاهها و موسسه‌های آموزش عالی و به موازات آن استفاده مستقیم از نتایج پژوهشها در برنامه آموزشی رو به افزایش است. در سطح استاد، یادگیری مداوم و تلاش در حل مسائل جدید و در سطح دانشجو درگیری در موارد کاربردی و عملی الزامی است. در واقع دانشگاهها و موسسه‌های آموزش عالی معتبر نقش اساسی خود را نه تنها در آموزش بلکه در پژوهش فراگیر می‌یابند؛
- کمیت موسسه‌های آموزش عالی بسرعت افزایش یافته و نیز دوره‌های آموزش حرفه‌ای بخصوص برای کارمندان صنایع بزرگ ایجاد و اجرا می‌شود و بنابراین تأکید بر حل عملی مسئله و درگیری در تحقیق و کاربرد

آن در صنعت در دوره‌های بالاتر موسسه‌های حرفه‌ای بیشتر است؛

• تنوع و استقلال برنامه‌های آموزشی
بسرعت افزایش می‌یابد و دیگر تجویز یک نسخه یکسان برای همه، از میان می‌رود. نوع دوره و محتوای آموزشی دانشگاهها پیوسته بازنگاری و متحول می‌شود و با تغییر تکنولوژی و اولویت و نیازها انطباق می‌یابد؛

• حمایت عمومی از گسترش آموزش فراگیر سبب رشد فکر عمومی و ایجاد محیط مناسب برای تحقیق و توسعه می‌شود. استفاده همه جانبه از تکنولوژی ارتباطات در زندگی شخصی و سادگی جستجو و دریافت اطلاعات از منابع مختلف، از جمله اینترنت مرزهای سنتی را از میان برده و هر شخصی در هر مکان و زمان قادر خواهد بود از انبوه اطلاعات موجود استفاده کند؛

• تغییر آموزش به یادگیری، که در آن مسئولیت بر دوش شخص دانشجو است نه بر عهده استاد و یا سیستم آموزش ضروری است. دانشجو باید مسئولیت‌پذیر باشد، تصمیم بگیرد و فرایند یادگیری را هدایت کند. همچنین با شناخت علاقه و توانایی خود، نحوه و محتوای درس را انتخاب کند و نقش فعالانه‌ای در جستجوی منابع آموزشی و تضمین کیفیت فراگیری ایفا کند؛

• تغییر نظام اعتبار مدرک به کسب مهارت، یکی دیگر از الزامات است. در جامعه یادگیرنده، امتحان و آزمون نه جهت رقابت و اثبات فراگیری است و نه سد ورود به سیستم آموزشی. امتحان بازخوردی است برای خود شخص یادگیرنده جهت هدایت وی در مراحل بعدی یادگیری. توانایی افراد در عمل و در طول زمان نشان داده می‌شود و نه صرفاً براساس پاسخ صحیح به سوالات کنکوری؛

• در دنیای گسترده و پر تحول کنونی، معلم نمی‌تواند و نباید درگیر آموزش تمام جزئیات بشود بلکه باید

نقش راهنما و رهبر را در جهت فراگیری مؤثر یادگیرنده ایفا کند. وظیفه او تشویق و ترغیب دانشجو و مهیا ساختن مسیر یادگیری است. یک راهنمای مؤثر علاقه‌ها را می‌جوید، به راهکارها اشاره می‌کند و فرصت کشف مسئله را خلق می‌کند. وی دانشجو را توانمند می‌کند که خود مسئله را تعریف کند و سپس جواب را بیابد؛

• موضوع دیگر تغییر وضعیت محصل به محقق است. زمانی که فرایند یادگیری متحول و مستقر می‌شود



دانشجو نه تنها در پی تکلیف و تمجید نیست بلکه در جستجوی یادگیری و کسب مهارت خود پیشقدم می‌گردد. تحقیق به معنای واقعی کسب اطلاعات، کشف ارزشها، ارزیابی راهکارها و پیشنهاد راه‌حل‌ها، بهترین نحوه آموزش است که نباید منحصر به افراد خاص باشد بلکه باید جزء لاینفک آموزش تلقی شود.

دکتر مکرمی

به نظر می‌رسد فناوری اطلاعات در آموزش حسابداری می‌تواند بسیاری از مشکلات سیستم آموزش را صرف نظر از این که این مسائل و مشکلات از کجا ناشی می‌شوند و تا چه اندازه اهمیت دارند، حل کند. فناوری

اطلاعات از چند بعد دارای اهمیت است. به طور واقع در دنیای امروز، فناوری اطلاعات زندگی انسانها را بشدت دگرگون کرده و تغییراتی که به واسطه آن در تمام عرصه زندگی ایجاد شده محسوس است. فناوری اطلاعات در مقوله آموزش نیز تحولات شگرفی پدید آورده است.

فناوری اطلاعات عبارت است از مجموعه تواناییهای انسان در قالب روشها، تخصصها، نرم‌افزارها و سخت‌افزارها در قلمرو کامپیوتر و ارتباطات. از این مجموعه می‌توان در امر آموزش بهره گرفت و در نتیجه آن، آموزش هم در محتوا و هم در شکل دگرگون می‌شود. در واقع فناوری اطلاعات می‌تواند هر دو بعد را متحول کند و بدون تحمل هیچ گونه مشکلی از یک مسیر میانبر ما را به مقصود برساند. این مفهوم با حسابداری نیز عجین است، زیرا از یک سو هدف حسابداری تهیه اطلاعات برای تصمیم‌گیریهای اقتصادی است و از سوی دیگر در دامنه مباحث اقتصادی در تئوری اطلاعات، چنین بیان شده است که اطلاعات پیامی است که توزیع احتمال وقوع رویدادها را تغییر می‌دهد.

در بحث فعالیت‌های آموزشی، فناوری اطلاعات به معنی توسعه دانش و تجربه بشر است. برای توفیق در این زمینه باید ابزارها و وسایل لازم را شناخت. یعنی در کلاسهای درس باید از ابزار و اسباب فناوری اطلاعات استفاده کرد و دیگر به وسایل و ابزارهای سنتی نظیر گچ و تخته سیاه و جزوه و کتاب اتکا نکرد. در حال حاضر در کشورهای پیشرفته، مطالب درسی از طریق بسته‌های نرم‌افزاری ارائه می‌شوند و به این ترتیب حتی مشکل مطالعه مباحث و موضوعات درسی نیز دگرگون شده است زیرا نه تنها امکان دسترسی سریع و آسان وجود دارد بلکه محتوا و کیفیت مفاهیم و مطالب نیز تغییر کرده است.

شاید بتوان گفت که تقریباً ارتباط فیزیکی بین استاد و دانشجو با استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش از بین رفته است، زیرا مطالب و موضوعات درسی با استفاده از کامپیوتر از راه دور توسط خطوط تلفن به دانشجویان انتقال داده می‌شود و به این ترتیب بسیاری از مشکلاتی که دانشجویان برای حضور در کلاسهای درس دارند از بین می‌رود. همین موضوع امروزه زمینه‌ساز بحث آموزش مجازی شده است که دانشجویان در هر نقطه و مکانی که باشند قادر خواهند بود با استاد و کلاس درس ارتباط برقرار کنند و به این سبب نحوه آزمون و برگزاری امتحان نیز بشدت تغییر کرده است. یعنی دیگر امتحان به شیوه سنتی که دانشجویان در محل خاصی حاضر شوند و در اوراق امتحانی به سوالات پاسخ دهند منتفی شده است و این کار با استفاده از کامپیوتر انجام می‌گیرد و نتیجه آزمون نیز سرعت و با دقت زیاد معلوم می‌شود.

البته گاهی به فناوری اطلاعات ایرادی وارد می‌شود و آن کم رنگ شدن ویژگیهای انسانی است که به نظر من این‌گونه نخواهد بود، زیرا با استفاده از این ابزار، مسیر و فرایند یادگیری افراد تغییر می‌کند و بهبود می‌یابد و بنابراین نقش استاد به‌عنوان یک عامل انسانی که با ارائه طریق و شناسایی پدیده‌های مختلف وسعت دید دانشجو را گسترش می‌دهد، برجسته‌تر می‌شود.

نکته مهمی که در حمایت از فناوری اطلاعات باید به آن اشاره کرد این است که دسترسی به منابع درسی به‌نحو چشمگیری افزایش می‌یابد؛ یعنی انبوهی از کتابها، مقاله‌ها و جزوه‌های آموزشی در رابطه با هر یک از موضوعات خاص مورد مطالعه وجود دارد که می‌توان با طبقه‌بندی و محدود کردن موضوعات به آنها دست یافت.

از ویژگیهای دیگر استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش حسابداری، می‌توان به آموزش مستمر اشاره کرد. در واقع امکان آموزش ضمن خدمت با کیفیت بسیار بالایی فراهم می‌شود زیرا افراد بدون هیچ‌گونه اتلاف وقت قادر خواهند بود در مورد موضوعهای مختلف به آموزش فراگیر بپردازند و بازخورد نیز بگیرند. استفاده از فناوری اطلاعات همچنین امکان ارزیابی آموزشی را فراهم می‌کند تا بتوان به‌نحو شایسته‌ای از فضای آموزش و عناصر آن و شکل و محتوای ارائه مباحث بازخورد گرفت و مشکلات و مسائل احتمالی را تصحیح و اصلاح کرد.

دکتر نوروش

وضعیت و موقعیت رشته حسابداری در حال حاضر در کشور، به‌گونه‌ای است که اگر آن تحولات بازارمدار ایجاد نشود و فرایند آموزش را به سمتی که بازار می‌خواهد نکشاند، جذابیت و محتوای این رشته روز به‌روز کمتر خواهد شد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد از ۵ عنصری که به‌عنوان اجزا و عناصر اصلی سیستم آموزشی برشمردیم، یک عنصر که همان نهادهای نظارتی بود در دانشگاههای ما فعال نیست و بنابراین امکان ارزیابی و سنجش عملکرد آموزش در دانشگاهها و موسسه‌های آموزش عالی پدید نمی‌آید. متأسفانه در حال حاضر دانشگاهها براساس عملکرد و اعتبار علمی رتبه‌بندی نمی‌شوند بلکه جایگاه و موقعیت آنها بیشتر متأثر از القاب و عناوین و یا گرایشهای کمادبی است که در جامعه نسبت به آنها رواج یافته است. حال آن که اگر مبنایی برای ارزیابی وجود داشت به‌واسطه فضای رقابتی که پدید می‌آمد سطح کیفی آموزش هم بشدت افزایش می‌یافت.

در مورد کارآموزی برای دانشجویان رشته حسابداری، به‌نظر بنده، اگر دانشجویان به این مقوله

روی نیاورند بهتر است، زیرا مقدار درخور توجهی از وقت ایشان صرف این موضوع می‌شود. در صورتی که به اعتقاد من اگر دانشجو به مبانی نظری و علمی رشته خود مسلط شود خیلی سریع در فضای حرفه نیز وارد خواهد شد. از سوی دیگر در ایران فضای موجود در حرفه امکان هیچ‌گونه پذیرشی را برای دانشجویان مبتدی فراهم نمی‌آورد، همچنین شرکتها و موسسه‌ها هم اغلب فاقد ظرفیت لازم برای پذیرش و آموزش صحیح دانشجویان هستند. با این وصف تصور بر این است که دانشجویان اگر به جای کارآموزی در فضای مبهم و غیرعلمی، به مطالب درسی روی آورند و مبانی علمی خود را تقویت کنند موفقتر خواهند بود. البته برای تأیید این مطلب می‌توان به تجربیات افراد مختلف در گذشته و حال اشاره کرد. تجربه نشان داده است که دانشجویانی که خیلی خوب آموزش می‌بینند و به مفاهیم و زیرساختهای رشته تحصیلی خود مسلط می‌شوند در فضای حرفه نیز توفیق بیشتری پیدا می‌کنند و جایگاه و موقعیت شغلی بهتری را نیز به‌دست می‌آورند. بر عکس افرادی که خوب تحصیل نمی‌کنند فقط با استفاده از اهرمهای غیرمجاز قادر خواهند بود به جایگاههای شغلی که استحقاق آن را ندارند دست یابند، در غیراین صورت هیچ‌گونه قدرت مانوروری نخواهند داشت.

با این توضیحات می‌خواهم به این مطلب اشاره مود کنم که با حجم چشمگیر متون درسی در رشته حسابداری، دانشجویان اگر عمده وقت خود را صرف تحصیل و مطالعه دروس نکنند باز هم با کمبود وقت مواجه خواهند بود. بنابراین فرایند یادگیری دانشجویان طولانی، مستمر و پر حجم خواهد بود و این عوامل زیرساختهای دانش نظری و تفکر صحیح آنها را فراهم می‌آورد تا در مشاغل حرفه‌ای بتوانند با بهره‌گیری از آنها حداکثر

استفاده و تأثیرگذاری را داشته باشند.

مقبلی

در ادامه بحث تکنولوژی آموزشی، به این نکته اشاره می‌کنم که وجود سیستم‌های اطلاعاتی جدید و ابزارهای مدرن، انگیزه‌ها را تقویت می‌کند و شکل و فرایند آموزش را تغییر می‌دهد.

در جوامع پیشرفته و حتی در برخی از دانشگاه‌های ایران کلاسهای درسی به دلایل مختلف از جمله بعد مسافت، از طریق ماهواره، اینترنت و با استفاده از سایر وسایل مدرن آموزشی اداره می‌شوند، به گونه‌ای که تصور می‌شود بین استاد و دانشجو هیچ گونه فاصله‌ای وجود

ندارد. البته شکل ارائه درس ظاهراً جذاب و متنوع است و انگیزه دانشجویان را تحریک می‌کند.

گودرزی

با این که گرایش رشته حسابداری به استفاده از تکنولوژی اطلاعات، هم در ابعاد آموزشی و هم در ابعاد حرفه‌ای بسیار زیاد است و پی در پی توصیه می‌شود که از کامپیوتر و نرم‌افزارهای مالی به نحو مناسب استفاده شود، اما در دانشگاهها به این مقوله کمتر پرداخته می‌شود و دانش‌آموختگان ما در این رشته عمدتاً با کامپیوتر و نرم‌افزارهای مالی مرتبط بیگانه‌اند.

دکتر مکرمی

من به تجربه دریافته‌ام که تا نیاز احساس نشود هیچ‌کس به دنبال حل این موضوع، یعنی استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش حسابداری

نمی‌رود. یعنی حتماً باید نیاز احساس شود تا مثلاً بتوان از یک نرم‌افزار مانند اکسل (excel) استفاده کرد. باید سعی کنیم دانشجویان را به مسیری که اهداف و رسالت آموزش تعیین کرده است هدایت کنیم و اسباب و ابزار یادگیری را برای آنها تشریح کنیم. شاید گرایش بیش از حد مدرسان به



استفاده از ابزارهای سنتی آموزش مانع موثری در راه استفاده از فناوری مدرن در آموزش باشد که با برنامه‌ریزی‌های مناسب باید نسبت به حل این مشکل اقدام کرد.

گودرزی

یکی دیگر از مشکلات سیستم آموزشی سیاست نادرست گزینش دانشجویان است که مانع توزیع صحیح استعدادها و جوانان می‌شود. جذابیت‌های کاذب بعضی رشته‌ها مانند پزشکی و مهندسی موجب شده است که داوطلبان ورود به دانشگاه نسبت به رشته‌های علوم انسانی از جمله حسابداری استقبال کمتری نشان دهند.

صفار

در این مورد، هم زمینه‌های خرد و هم زمینه‌های کلان موضوع بررسی شده است. ولی به نظر بنده نیاز ملی در اینجا ناپیداست. حتی در بین

صاحبان حرفه هم این مشکل وجود دارد که هنوز هم نتوانسته‌اند این حرفه و تخصص را به عنوان یک نیاز ملی بپذیرند. با این حال اقداماتی نظیر تشکیل جامعه حسابداران رسمی صورت گرفته است تا بتوان معرفی اصولی و درستی از حرفه در جامعه به عمل آورد. ولی به نظر می‌رسد تا

هنگامی که حسابخواهی و نتایج ارزیابیها در جامعه مطرح نباشد، یعنی اینکه جامعه به دنبال آن نباشد که عملکرد اقتصادی شرکتها را ارزیابی کند هیچ‌گونه تأثیر مطلوبی متصور نخواهد بود.

اگر در جامعه ما گرایش به سرمایه‌گذاری در دارایی فیزیکی

کاهش یابد بحث حسابداری می‌تواند مطرح شود. یعنی تا زمانی که ما در فضای واقعی اقتصاد مبادرت به نگهداری داراییهایی می‌کنیم که از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند، حسابداری اصلاً از مقوله زندگی دور می‌شود و تصویر مبهمی از آن بر جای می‌ماند. در واقع حسابداری وقتی مطرح می‌شود که جامعه به سمت داراییهای مالی و مبادلات اوراق بهادار حرکت کند که در این مسیر نیاز به اطلاعات مالی و چگونگی استفاده از آنها در تصمیمهای اقتصادی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

گودرزی

از تشریف فرمایی همه همکاران و صاحبان حرفه محترم سپاسگزارم و امیدوارم در جلسات بعدی نیز از حضور شما بهره‌مند شویم